

## بررسی و تحلیل انواع وجه در دیوان حافظ با رویکرد سبک‌شناسی رایانشی - پیکره‌ای

مهری پاکزاد<sup>۱</sup>

محمد فقیری<sup>۲</sup>

### چکیده

مقاله حاضر با رویکرد سبک‌شناسی رایانشی - پیکره‌ای به بررسی توزیع فراوانی و درصدی انواع وجه در دیوان حافظ می‌پردازد و بر این فرضیه استوار است که می‌توان با استفاده از این متغیر به‌جبهه‌هایی از صدای دستوری و شیوه تعامل حافظ با زندگی و مردم دست یافت. مبانی نظری و کاربری این نوشتار تلفیقی از دستور نظام‌مند هلیدی و دستور سنتی است. پیکره زبانی آن شامل ۵۵۶۱ فعل است که بر اساس روش نمونه‌گیری سیستماتیک انتخاب شده و ۱۹ متغیر وجه در آن تحلیل شده است. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که در دیوان حافظ وجه خبری با ۵۷/۳ بیشتر بسامد را دارا است که نشانگر سبک بیانگرایانه، روایت‌گرایانه و قطعی‌نگری حافظ است. از طرفی دیگر وجه امری با ۱۵٪ کل دومین بسامد را دارا است که نشان‌دهنده صدای آمرانه دستوری است اگر چه ۵٪ افعال آن به وجه توصیه‌ای، درخواستی و پیشنهادی مربوط است. وجه احتمالی و تردیدی که نشانه نسبی نگری است کمتر از ۱٪ کل را به خود اختصاص داده است و وجه‌های پرسشی ۶٪ و شرطی ۴٪ را تشکیل می‌دهد که نشان می‌دهد دیدگاه نسبی نگری و پرسش‌گری حافظ به نسبت قطعی نگری و بیانگری وی چندان بارز نیست اگرچه دیدگاه اگزینسیستایی وی به دنیا بیشتر مورد توجه است.

کلید واژه‌ها:

مشخصه سبکی، وجه، نگرش، صدای دستوری

<sup>۱</sup> گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد - ایران. (نویسنده مسؤل)

[mehri\\_pakzad2004@yahoo.com](mailto:mehri_pakzad2004@yahoo.com)

<sup>۲</sup> - گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه فرهنگیان تهران - ایران.

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۸/۰۳

تاریخ وصول: ۹۴/۰۲/۰۶

### درآمد (Introduction):

سبک‌شناسی رایانشی - پیکره‌ای به بررسی ویژگی‌های سبکی یک متن مبتنی بر یک پیکره زبانی می‌پردازد و هدف آن کشف خصوصیات سبکی، ساختاری یا محتوایی پربسامد متن است. سبک‌شناسان عینی‌گرا از روش‌شناسی این‌گرایش برای نقد، تحلیل و تفسیر ابژه‌های مورد نظر استفاده می‌کنند و قضاوت‌های سبک‌شهودی و تکوینی را ارزیابی می‌کنند یا نگاهی نو در تحلیل ابژه‌ها به دست می‌دهند.

سبک‌شناسی از دو نوع مشخصه سبکی برای تحلیل یک اثر استفاده می‌کند: مشخصه بالقوه<sup>۱</sup> که از پیش برای تحلیل تعیین می‌شود و مشخصه‌های بارز<sup>۲</sup> که حاصل جرقه‌هایی است که هنگام خواندن متن در ذهن نویسنده پدید می‌آید. برای مثال در این تحقیق، بررسی انواع وجه (۷ نوع وجه) در غزلیات حافظ نمونه‌ای از متغیرهای بالقوه است که دستیابی به بسامد یا فراوانی در آن‌ها به سادگی امکان‌پذیر است، اما مشخصه‌های بارز بیشتر شمی بوده و فراوانی آن کمتر تعیین می‌گردد. هدف این مقاله نیز کشف میزان فراوانی وجه در دیوان حافظ و تبیین شیوه تعامل حافظ با زندگی و هستی است.

موضوع مقاله حاضر بررسی مقوله وجه از نقش بینافردی هلیدی در دیوان غزلیات حافظ می‌باشد. وجه می‌تواند نشانگر نوع تعامل فرد با زندگی و هستی و بیانگر پیوستار قطعیت تا عدم قطعیت در تفکر وی باشد. مسأله تحقیق حاضر تبیین نوع وجه و مقوله وجهیت در دیوان حافظ است. فرضیه تحقیق این است که می‌توان با انواع وجه به جنبه‌هایی از صدای دستوری و مقوله وجهیت در غزلیات حافظ دست یافت. مبانی نظری نظریه نقش‌گرای هلیدی است و روش تحقیق از نوع آماری و توصیفی است.

<sup>۱</sup> - Potential features

<sup>۲</sup> - Prominent features

## روش تحقیق (Methodology):

در طرح تحقیق مقاله حاضر نوع تحقیق آماری و توصیفی مبتنی بر پیکره زبانی است. روش تحقیق کیفی - کمی است و روند کار بدین صورت است که انواع زمان به عنوان متغیر بالقوه انتخاب گردیده، به صورت کیفی تحلیل شده و به صورت کمی در نرم افزاری آماری SPSS ثبت گردیده و محاسبات آماری روی آن‌ها انجام شده است. این نرم افزار مانند ایکسل برای انجام محاسبات آماری و ترسیم انواع نمودار در روش تحقیق و آمار مورد استفاده قرار می گیرد. حجم نمونه: شامل ۵۵۶۱ فعل بوده که از جامعه آماری دیوان حافظ با روش نمونه‌گیری نظام‌مند انتخاب شده است. واحد نمونه بیت و واحد تحلیل فعل می‌باشد و متغیرها شامل ۱۷ نوع زمان را شامل می‌گردد. هدف اصلی مقاله کشف پارادایم فلسفی زمان یا زمان نگری و بیانگری حافظ و هدف عینی آن بررسی توزیع فراوانی و درصدی انواع زمان در دیوان حافظ می‌باشد. فرضیه این است که با بررسی بسامد انواع زمان می‌توان به برخی مشخصات سبکی، ساختاری و محتوایی حافظ مانند نوع بیانگری و زمان نگری دست یافت. یافته‌های تحقیق نیز در قالب نمودارهای فراوانی و درصدی ارائه گردیده، مورد بحث قرار می‌گیرد.

## پیشینه تحقیق و مبانی نظری (Literature review &amp; Theoretical framework):

غزل در لغت سخن گفتن با زنان و عشقبازی نمودن، حدیث زنان و حدیث عشق ایشان کردن، محادثه با زنان، بازی کردن با محبوب، حکایت کردن از جوانی و حدیث صحبت و عشق زنان است و حد معمول متوسط بین پنج بیت تا دوازده بیت است، گاهی بیشتر از آن تا حدود پانزده و شانزده بیت و به ندرت تا نوزده بیت نیز می‌رسد (همایی، ۱۳۳۹: ۱۹۳).

غزل برجسته‌ترین گونه شعر غنایی<sup>۱</sup> فارسی و یکی از زیباترین و موزون‌ترین قالب‌های شعر فارسی است (شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۸۶). در میان قالب‌های شعر فارسی، تنها غزل با توجه به صفات بارز معنوی و زیبایی و دل‌انگیزی آن برجسته‌ترین نوع شعر غنایی است (صبور، ۱۳۸۴: ۶۵).

۱- ادب غنایی در اصل اشعاری است که احساسات و عواطف شخصی را مطرح می‌کند. معادل آن در ادب یونان باستان لیریک است. (شمیسا، سیروس، انواع ادبی: ۱۳۷۸، ۱۱۹).

غزل عارفانه و عاشقانه در آغاز قرن ششم از سنایی سرچشمه گرفت و آن‌گاه مانند دو رود موازی در پهنه وسیع ادبیات فارسی جریان یافت. این دو رود در اواخر قرن هشتم به اقیانوس شاعری حافظ ریخت و از طرفی به اوج و ابدیت رسید و از طرف دیگر برای همیشه دست نیافتنی گشت. یک نکته جالب در حافظ این است که خود به شدت به تتبع در آثار دیگران پرداخت و بعداً دیگران به شدت به تتبع و تقلید آثار او پرداختند. (شمیسا، ۱۳۷۰: ۱۳۱-۱۳۲)

«شعر حافظ شعر تعلیمی و غنایی را وحدت می‌بخشد و میان آن دو جمع می‌کند و به همین سبب غزل‌های حافظ هم پرسش‌انگیز است و هم پاسخ‌پرسش‌ها را در خود نهفته دارد. در غزل حافظ گفتگوی مخاطب و خواننده با متن واضح‌تر تحقق پیدا می‌کند. غزل‌های حافظ با تلفیق شعر تعلیمی و غنایی و شعر عرفانی و غیر عرفانی مخاطبان خود را گسترش می‌دهد تا آنجا که هر کس به اقتضای ذهنیت و شخصیت خود می‌تواند با یکی از ابعاد غنایی، عرفانی و غیرعرفانی و تعلیمی آن ارتباط برقرار کند و گذشته از سؤال‌های عام، سؤال‌های خاص و فردی خود را در گفتگوی با متن مطرح کند» (پورنامداریان، ۱۳۸۸: ۲۸۱).

«آنچه در بررسی انواع تقابل مانند تقابل عشق و عقل، نماز و مستی، زهد و رندی، پیرمغان و ولایت، و... به عنوان عناصر سازنده ساخت درونی و بُرش عمقی شعر حافظ، قابل ملاحظه است، تنها تنوع و کثرت تقابل‌ها نیست، بلکه رابطه‌ای است که غالب اجزای مجموعه با یکدیگر دارند و این مهم‌ترین عامل انسجام ساخت درونی شعر حافظ است و سبب پیچیده شدن ساخت شعر او.» (کدکنی، ۱۳۸۵: ۶۸)

حافظ در بدیع لفظی بیشتر به انواع جناس و سجع و در بدیع معنوی به انواع ایهام از قبیل ایهام تناسب، ایهام ترجمه، تبادر (ایهام جناس) و استخدام توجه دارد و در بیان، عمده توجه او به استعاره، تشبیه و سمبل است و از طرف دیگر شعر او از تلمیح به نکات و آموزه‌های عرفانی خالی نیست. ایهام در حافظ غوغایی است و بسامد آن از همه صنایع بیشتر است. از مشخصات عمده شعر او طنز است که آن را در همه زمینه‌ها از جمله در زمینه فکری خیام و ضدیت با ریا و نفاق به کار برده است. از دیگر مشخصات بارز شعر او وفور اصطلاحات و مضامین مربوط به

موسیقی و نیز خروج از هنجارهای سنتی و غریب‌سازی «به قول فرمالیست‌های روسی (making strange) منجر به سبک می‌شود.» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۵۱-۲۴۲)

دربارهٔ زبان‌شناسی شعر از دیدگاه نقش‌گرایی آثار زیادی وجود ندارد و نقش‌های گوناگون اندیشگانی، بینافردی، متنی دستور نظام‌مند هلیدی به گونه‌ای سیستماتیک و نظریه بنیاد کار نشده است. یکی از انگیزه‌های انجام این تحقیق نیز یکی نظریه محور بودن آن بود و دیگری نمونه‌گیری آماری سیستماتیک تا بتوان به تعمیم‌های درست دربارهٔ یک اثر دست یافت و نکاتی نو را برای پژوهشگران حافظ‌شناسی روشن نمود.

قابل ذکر است که مهاجر و نبوی در کتاب «زبان‌شناسی شعر (رهیافتی نقش‌گرا)» به بحث دربارهٔ ساخت‌گرایی و نقش‌گرایی پرداخته‌اند، سپس زبان‌شناسی سیستمی - نقشی هلیدی را مورد مذاقه قرار داده‌اند و بر سه نقش اندیشگانی یا بازتابی - زبان دریافت و بازتاب ما از واقعیت که فهم محیط از طریق آن ممکن است و نقش بینافردی، که مبتنی بر تعامل فرد با محیط است - و نقش متنی - که نشانگر رابطهٔ زبان و بافت موقعیتی - فرهنگی است - تکیه کرده‌اند. این کتاب در پی این است که «روزنهٔ کوچک دیگری - افزون بر روزنه‌های پیش - به شعر بگشاید» (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۴-۱).

در ادامهٔ کتاب نقش بینافردی در «عنصر وجه و عناصر باقی ماندهٔ جمله» بحث شده است. همچنین مسایل ساخت مبتدا - خبری، ساخت اطلاعاتی و انسجام از نقش متنی هلیدی مورد توجه قرار گرفته است. در فصل پایانی عناصر فوق در تحلیل چند شعر نیما به کار رفته است. در نتیجه‌گیری «نگاهی به ویژگی‌های سخن نیمایی» گفته شده است که «به هم زدن ساخت معمول مبتدا - خبری مهم‌ترین جلوهٔ هنجارگریزی نحوی» در شعر نیما است و وجه غالب آن خبری است. در نقش متنی نیز «عوامل انسجام (تکرار واژگانی و ارجاع) مایه‌های معنایی شعر را شکل می‌دهند» (همان: ۱۹۰ - ۱۸۶).

همچنین آقاگل زاده در مقالهٔ «کاربرد آموزه‌های زبان‌شناسی نقش‌گرا در تجزیه و تحلیل متون ادبی» این رویکرد نقش‌گرایی را معرفی کرده و به بررسی غزلی از حافظ از منظر نقش‌های متفاوت این نظریه پرداخته است. هدف این مقاله این است تا «کارآمدی مفاهیم و آموزه‌ها و

سازگارهای دیدگاه نقش‌گرایی را به علاقه‌مندان تجزیه و تحلیل متون ادبی نشان دهد» (آقا گل‌زاده، ۱۳۸۴: ۱)

نویسنده در "مقدمه و روش شناسی" دلیل استفاده از این روش را رسیدن به تعابیر و تفاسیری می‌داند که متکی بر روش‌های علمی زبان‌شناسی باشد و نه بر تفسیر شخصی تحلیل‌گر (همان: ۲). وی پس از توضیح کوتاهی درباره فرایندهای اندیشگانی، بینافردی و متنی به تحلیل غزلی از حافظ می‌پردازد و بر این باور است که «عناصر زبانی نشان‌دهنده روابط منطقی می‌توانند در متن آشکار و یا مستتر باشند و اینگونه روابط بیانگر رابطه خطی و در برخی موارد بیانگر رابطه لایه‌ای هستند»؛ سپس غزلی از حافظ را از لحاظ «روابط منطقی و سایر آموزه‌ها و سازکارهای زبان‌شناسی نقش‌گرا» مورد بررسی قرار می‌دهد (همان: ۱۰-۹).

مبنای نظری این تحقیق نقش‌گرایی هلیدی می‌باشد که با دستور سنتی فارسی تلفیق گردیده است. مکتب نقش‌گرایی در زبان‌شناسی به دنبال کشف معنی یا نقش کلمات در متون کتبی و شفاهی است. دستور نظام مند هلیدی می‌تواند به عنوان الگویی برای سبک‌شناسی بکار رود و برای شناخت، ارزیابی و تفسیر متون مورد استفاده قرار گیرد (Halliday, 1994: XV). در این دستور متن یک واحد معنی‌شناختی<sup>۱</sup> است که از طریق مقوله‌های دستوری می‌توان به معنی و ماهیت آن پی برد و زبان نیز یک نظام معنایی<sup>۲</sup> است که توسط دستور و واژگان بیان می‌شود (همان‌جا: xvii).

در این دستور نقش‌های متفاوت کلمات سرچشمه معنا است که در لایه‌هایی سازه‌های دستوری متبلور است و پیوستگی و انسجام این سازه‌ها باعث ایجاد یک نظام معنایی می‌گردد. هلیدی قویاً می‌گوید: «تحلیل گفتمانی که براساس دستور نیست اصلاً تحلیل نیست» از این رو در این دستور تحلیل متن بر مقوله‌های دستوری استوار است. تامسون نیز بر این باور است که نظریه نظام در شاخه‌ای از تحلیل گفتمان که در گذشته سبک‌شناسی گفته می‌شد به کار می‌رفته

<sup>۱</sup> - Semantic unit

<sup>۲</sup> - Semantic system

و عموماً نیز بر روی متون ادبی متمرکز بوده است. از این رو سبک‌شناسی به سطح سنجش<sup>۱</sup> و ارزیابی<sup>۲</sup> متن نیز ارتقاء یافته است (Thomson, 2004: 250).

در نظریه هلیدی همه زبان‌ها براساس سه معنای بنیادی سازماندهی می‌شوند: معنای اندیشگانی یا انگاره‌ساختی<sup>۳</sup>، معنای بینافردی<sup>۴</sup> و معنای متنی<sup>۵</sup>. نقش اندیشگانی میزان انتزاعی، عینی و ذهنی بودن سبک تفکر در یک فرد یا اثر را می‌تواند تبیین کند و می‌توان با استفاده از آن درباره جهان بینی فرد یا اثر قضاوت کرد. نقش متنی روابط متن و میزان انسجام و ارتباط آن را بیان می‌کند که بیشتر در مقولات معانی، بیان و بلاغت می‌توان از آن استفاده کرد.

نقش بینافردی در این نظریه شیوه تعامل و ارتباط اجتماعی افراد را نشان می‌دهد؛ زمان و وجه و نمود (استمرار) از زیرمقوله‌های این نقش است. وجه نشان می‌دهد که ما در تعامل با افراد، اجتماع و ایده‌ها از چه درجه‌ای از قطعیت یا نسبیّت برخورداریم که در وجه‌های مختلف خبری، پرسشی، التزامی، امر، نهی و... بیان می‌گردد؛ از طریق متغیر وجه می‌توان فلسفه فکری و جنبه‌هایی از سبک روایی و صدای دستوری یک اثر دست یافت.

هلیدی وجه و وجهیت را از مباحث فرانش بینافردی قرار داده است. نقش بینافردی عمده‌ترین هدف ارتباط یعنی؛ چگونگی تعامل با دیگران و حفظ روابط اجتماعی را تأمین می‌کند. وجه نقش اساسی در ساختمان بند را دارد و از نظر بینافردی هسته اصلی گفتگو و تعیین‌کننده نوع تعامل است. وجه نشانگر نگرش گوینده در تعامل اجتماعی است. در تحلیل متن وجهیت نشانگر نگرش گوینده است و گویندگان و نویسندگان ممکن است شیوه‌های مختلفی برای بیان مسؤولیت خود و ارایه نظرات خود پردازند (Thomson, 2009: 74).

از طریق وجه تقاضاها، پیشنهادات، دستورات و... خود را بیان می‌کنیم، برای دیگران اطلاعاتی فراهم می‌آوریم، چیزی را تأیید یا تکذیب می‌کنیم، می‌پذیریم یا رد می‌کنیم، خبر می‌دهیم یا می‌پرسیم، احساسات خود را بیان می‌کنیم یا احساسات دیگران را ترغیب می‌نماییم. امر و نهی

<sup>۱</sup>- Assesment

<sup>۲</sup>- Testing

<sup>۳</sup>- Ideational

<sup>۴</sup>- Interpersonal

<sup>۵</sup>- Textual

می‌کنیم و چیزی را درخواست می‌کنیم یا بر چیزی اصرار می‌نماییم. از نظر هلیدی این موارد به وجهیت مربوط است که در قالب وجه‌های گوناگون بیان می‌گردد (همان: ۷۴). در دستور سنتی، تلقی گوینده یا نویسنده از جمله یعنی؛ مسلّم یا نامسلّم بودن یا امری بودن و نبودن فعل را «وجه» گویند. در این دستور تقسیم‌بندی وجه از نگرشی ساختارگرایانه برخوردار است و «فعل را به اعتبار کیفیت بیان مفهوم آن که خبری را برساند یا وقوع و حالت آن را با احتمال یا شرط یا جز آن همراه کند یا فرمانی برساند یکی از سه وجه اخباری، التزامی یا امری به شمار می‌آورند» (انوری و گیوی، ۱۳۷۷: ۷۱). وجه اخباری، قطعی بودن، وجه امری به توصیه، خواهش، امر ونهی و وجه التزامی به غیر قطعی بودن مفهوم جمله اشاره دارد (وحیدیان، ۱۳۸۱: ۵۴)، (صادقی و ارژنگ، ۱۳۵۸: ۷)، (مشکوٰۃ‌الدینی، ۱۳۸۱: ۶۷).

### وجه اخباری

وجه اخباری زمانی است که گوینده به وقوع امری یقین داشته باشد یا سخنش را قطعی مطرح کند یا بی‌طرف باشد. همه ساخت‌های افعال جز ماضی التزامی، مضارع التزامی و دو ساخت امری (امر و نهی) از وجه اخباری استفاده می‌کنند (وحیدیان، ۱۳۸۱: ۵۴). «وجه اخباری آن است که وقوع یا عدم وقوع فعل را با قطعیت و یقین بیان کند و اسناد در آن قابل صدق و کذب باشد» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۳۸۱).

مفهوم واقعی بودن و مسلّم بودن برای وجه اخباری بسیار تکرار شده است. «وجه اخباری آن است که دلالت فعل را بر معنای آن به صورت قطعی خبر دهد» (انوری و گیوی، ۱۳۷۷: ۷۱). «اگر جمله‌ای خبری را به‌طور قطعی بیان کند، فعل آن جمله وجه اخباری دارد» (شریعت، ۱۳۴۵: ۱۲۹). حتی دستور نویسان جدید چنین تصوّر و برداشتی از وجه دارند. «وجه اخباری به قطعی بودن، وجه امری به توصیه، خواهش، امر یا نهی و وجه التزامی به غیر قطعی بودن مفهوم جمله اشاره دارد» (به نقل از صادقی و ارژنگ، ۱۳۵۸: ۷) «بر حسب عنصر وجه فعل یکی از مشخصه‌های «اخباری»، «امری» یا «التزامی» را دارا خواهد بود (مشکوٰۃ‌الدینی، ۱۳۸۱: ۶۷).



وجه اخباری در دستور سنتی براساس دیدگاه ساختاری نگریسته شده است. وابستگی صورت فعل اخباری و وجه مربوط به آن نیز گواه این ادعا است. دوم این که برگزیدن به سه برچسب اخباری، برای بیان چیزی فراتر از خبر و روایت مانند درجه شناخت، تأکید یا تصمیم با برچسب خبری قابل تمییز نیست. از این رو می توان انواع وجه را گسترش داد و از صورتها و ساختارها، تحلیل نقشی به دست داد و به کمک ادات و دیگر نشانه‌های موجود در متن تمایز وجهها را ممکن ساخت و وجههای معرفتی، تأکیدی، تصمیمی و ... را از وجه خبری جدا کرد.

### وجه التزامی

وجهی است که وقوع آن به صورت تردید، آرزو، توصیه، شرط، دعا یا میل مطرح می‌شود: کاش بیاید، کاش نیاید. این وجه با فعل التزامی با عوامل التزامی ساز «باید، کاش، اگر، مبادا و ...» همراه است. فعل‌های معین «باشم، باشی، ...» در ماضی التزامی و «ب» در مضارع نشانه التزامی است (وحیدیان، ۱۳۸۱: ۵۵). «در برابر هشت ساخت ماضی اخباری یک ماضی التزامی وجود دارد»، «در برابر دو مضارع اخباری یک مضارع التزامی وجود دارد»، «فعل التزامی گاهی بدون همراهی با عوامل التزامی ساز نیز می‌آید که بیش تر جنبه توصیه، دعا یا آرزو دارد: «خدا خیرتان بدهد، غذا بخوریم» که مسلماً در این صورت وجه التزامی به حساب می‌آید (همان: ۵۵).

در دستورهای دیگر نیز به تعریف‌های مشابهی از وجه التزامی بر می‌خوریم: «وجه التزامی از لحاظ معنایی به یکی از مفاهیم التزامی: تردید، تعجب، آرزو، دعا، نفرین، شرط و جز آن که با مفاهیم خبری فرق دارد، اشاره می‌نماید» (مشکوئه‌الدینی، ۱۳۶۶: ۱۳۲ - ۱۲۸). «وجه التزامی آن است که دلالت فعل را بر معنای آن با التزام (= همراهی) به امری چون آرزو، میل، امید، شرط، تردید و امثال آن‌ها بیان کند. در وجه التزامی گوینده در واقع تفسیر و تعبیری همراه فعل می‌آورد» (انوری و گیوی، ۱۳۷۷: ۷۱). فعل التزامی «برای عملی به کار می‌رود که در آن معنی لزوم یا شک و تردید یا تمنا و آرزو باشد» (شریعت، ۱۳۴۵: ۱۳۹). «وجه التزامی یا وابسته یا احتمالی آن است که فعل بر امور احتمالی از قبیل: خواست، آرزو، میل، امید، دعا، شرط، شک و لزوم و مانند آن‌ها دلالت کند» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۳۸۱).

از دو منظر می‌توان تعاریف فوق را نقد کرد: اول این که مفاهیم شک، تردید، خواست، میل، آرزو، دعا یا الزام و اجبار مختص به فعل التزامی نیست و با وجه خبری نیز بیان می‌گردد. دوم این که برای بیان این مفاهیم متفاوت برچسب التزامی شمول معنایی لازم را ندارد. از این رو باید برچسب‌های گستره و جهت را با دیدگاهی نقشی نگریم. نقش‌های متفاوت وجه التزامی دستور سنتی را می‌توان با عناوین وجه شرطی، تردیدی، احتمالی، دعایی، آرزویی و التزامی تقسیم بندی کرد و برچسب التزامی را خاص مواردی که مفهوم التزام و اجبار در میان باشد، برگزید.

### وجه امری

«وجه امری آن است که بر طلب یعنی؛ فرمان، خواهش، خواست و تمنا دلالت کند» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۳۸۱). وجه امری فعلی است که وجه التزامی و اخباری نباشد. وجه امری دو ساخت بیش‌تر ندارد: دوم شخص مفرد: برو  $\phi$ ، دوم شخص جمع: بروید. امر مفرد دارای شناسه  $\phi$  است و امر جمع شناسه «ید» دارد که با دوم شخص جمع وجه التزامی مشترک است، اما پیش از وجه التزامی همیشه عوامل التزامی ساز می‌آید: مثال: "بروید" که دوم شخص جمع امر است و "اگر / کاش / باید بروید" که دوم شخص جمع التزامی است. فعل امر پرسشی نمی‌شود و با افزودن «ن» به جای «ب» نهی می‌گردد (وحیدیان، ۱۳۸۱: ۵۶).

در دیدگاه نقش‌گرایی این تحقیق وجه امر و نهی از یکدیگر متمایز گردیده است و فعل امر فقط زمانی وجه امری تلقی می‌گردد که نقش فرمان یا دستور از آن تعبیر گردد و در مواردی که به توصیه، پند و اندرز می‌پردازد وجه توصیه‌ای و زمانی که معنی تقاضا و درخواست را برساند وجه درخواستی و وقتی که معنی پیشنهاد داشته باشد وجه پیشنهادی انگاشته می‌شود.

### بررسی انواع دیگر وجه در دستور سنتی:

غیر از سه نوع اصلی وجه در دستور سنتی، انواع دیگر وجه نیز توسط برخی دستور نویسندگان مطرح شده است. گیوی می‌گوید دستورنویسان شش وجه را تمییز داده‌اند: اخباری، التزامی،

شرطی، مصدری، امری و وصفی. وی بر این باور است که وجه شرطی نوعی وجه التزامی است و استقلال آن منطقی به نظر نمی‌رسد. به نظر وی وجه مصدری از انواع اسم است و اگر بتوان در مواردی برای آن وجهی قایل شد، باید گفت از وجه التزامی است؛ زیرا که یکی از مفاهیم التزام مانند لزوم و اراده را می‌رساند. در این صورت باید آن را با جز قبلی یک فعل به حساب آورد. همچنین وجه وصفی همان وجه فعل بعدی را دارد (گیوی، ۱۳۸۴: ۳۰۸).

شریعت از وجه شرطی، مصدری و وصفی نیز نام برده است: وجه شرطی آن است که جمله مفهوم شرط داشته باشد. وجه مصدری آن است که مصدر یا مصدر مرخم به عنوان فعل کمکی به کار رود: باید گفت، باید گفتن، توان گرفت. وجه وصفی آن است که به آخر مصدر مرخمی حرف «ه» اضافه کنیم و آن را به جای فعلی به کار بریم: او به خانه آمده لباسش را عوض کرد (شریعت ۱۳۴۵: ۱۳۲ - ۱۳۰).

خانلری وجه پرسشی، وجه دعایی، وجه شرطی و عاطفی را نیز ذکر کرده است. وجه عاطفی جمله‌ای است که در آن شور، هیجان و احساسات بیان گردد: اندوه، شادی، درد، لذت، ستایش و آفرین، نفرت و کینه، شگفتی، آرزو یا افسوس و ... (خانلری، ۱۳۶۳: ۳۲). مثال: چه ها کرد! چه دردناک است! «حالت عاطفی را غالباً با کلمه «چه» بیان می‌کنیم» همچنین اصوات را برای بیان حالت روحی به کار می‌بریم: مثال: آه، خوشا، به، یارب، زهی، اف، تفو، پیف، هیس، آخ، وای و ... «در آخر جمله عاطفی نشانه تعجب می‌گذاریم» (همان: ۱۲۰-۱۱۷).

فرشیدورد وجه را به انواع اصلی (اخباری، التزامی، امری و تأکیدی) و تبعی (وصفی و مصدری) تقسیم کرده است (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۳۸۱). وی «وجه تأکیدی» را از وجوه اصلی قلمداد کرده است: وجه تأکیدی بر تأکید و خواست و فرمان دلالت می‌کند و امروز با «باید» و «لازم است» و مترادف‌های آن می‌آید (همان: ۳۸۲). می‌توان فرمان و دستور را می‌توان جزء وجه امری، باید و الزام را جزء وجه التزامی و درخواست و خواهش را جزو وجهی جداگانه مانند وجه «تمنایی» به حساب آورد و تأکیدی را وجه تأکیدی انگاشت. فرشیدورد وجه تمنایی را وجهی می‌داند که بر «آرزو و امکان» دلالت می‌کند و با «کاش» و مترادف‌های آن استعمال می‌شود: مثل کاش برگردد، دست مریزاد، زنده باد. در حالی که می‌توان این مفاهیم را در ذیل

وجه آرزویی انگاشت. وی می‌گوید: «بعضی تحت تاثیر دستوره‌های فرنگی، فعل‌ها را دارای شش وجه (مصدری، وصفی، شرطی، التزامی، امری و اخباری) دانسته‌اند و این از موارد ناپسند تقلید از دستوره‌های بیگانه است که با روح و ساختمان زبان فارسی سازگار نیست؛ زیرا وجه شرطی نوعی وجه التزامی است. «اگر بیایی، من هم می‌آیم». «در قدیم وجه شرطی وجود داشته؛ زیرا دارای نشانه خاصی که «ی» شرط نامیده می‌شود، بوده است» (همان: ۳۸۲).

می‌توان با دیدی علمی و زبان‌شناسانه به قضیه نگریست. اولاً افزودن تعداد وجه در فارسی امکان تمییز نقشی - معنایی ساختارهای زبانی را بهتر فراهم می‌آورد و ثانیاً ما را به واقعیت روانشناختی ذهن نویسنده یا گوینده می‌رساند. ثالثاً اگر ما که تا به حال در گستره وجهیت کشفی جدید نکرده‌ایم و برچسبی بر آن نهاده‌ایم، به علت تعصب ما بوده است. مگر گستره پیوستار امکان و قطعیت ما از زبان‌های دیگر متفاوت است؟ گفته دوم وی که در قدیم به خاطر داشتن «ی» شرطی وجه شرطی داشته‌ایم نیز نوعی نگاه ساختارگرایانه است. نقش و معنای شرطی که از میان نرفته است، بلکه امروزه این نقش را ساختار دیگری ایفا می‌کند. از این رو چه دلیلی وجود دارد که وجه شرطی را نادیده بگیریم.

وجه مصدری و وصفی نیز تابع است؛ زیرا که برای تمام اشخاص و وجوه و نمودها و زمان‌ها یک صیغه دارد. از این رو فعل وصفی اگرچه از لحاظ ساختمان وجهی جداگانه به شمار می‌رود، ولی از نظر معنی چنین نیست؛ زیرا جانشین افعال و وجوه دیگر می‌شود و هم بر اخبار و هم بر احتمال و هم بر امر و هم بر مصدر دلالت می‌کند. «فعلی که به دنبال وجه وصفی می‌آید فعل همنشین فعل وصفی نام دارد. از این رو وجه وصفی به فعلی دیگر معطوف است. ولی گاهی هم فعل وصفی کاملاً همساز و هماهنگ با فعل همنشین نیست؛ مثلاً همنشین گاهی ماضی استمراری است، در حالی که فعل وصفی معادل ماضی بعید است». مثال: به چشم‌های او نگاه می‌کرد و او چشم بر نهاده و حرکت نمی‌کرد. یا همنشین مضارع اخباری است و فعل وصفی معادل ماضی نقلی است. مثال: این مردم یک لاقبا که با شکم گرسنه و جیب خالی بر دریچه استغنا تکیه زده، قدم را از کنگره عرش پایین تر نمی‌نهند. گاهی فعل وصفی معادل فعل امر است: مثال: چراغ را روشن کرده، بخواب (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۳۹۰ - ۳۸۹).

از این رو گاهی فعل وصفی می‌تواند زمانی مستقل از فعل همنشین خود داشته باشد. به هر حال فعل وصفی زماندار است؛ چه زمان مستقل و چه غیرمستقل باید جمله تلقی شود، اما وجه آن استقلال ندارد. در وجهیت مفهوم وصفی نداریم، بلکه ساخت وصفی داریم. هم‌چنین اگر فعل وصفی گاهی نقش صفت پیدا می‌کند، ربطی به وجهیت ندارد: مثال: او خسته و درمانده وارد شد. او پدرش را ایستاده نگه داشته است. او مردی بود سختی کشیده.

دیدگاه این تحقیق در تقسیم بندی انواع وجه نقش گرایانه است و به تقسیم بندی دستور سنتی محدود نمی‌گردد. از این رو طیفی از وجه براساس نقش و معنی مطرح می‌گردد و سعی گردیده تمییز نقشی - معنایی مورد توجه قرار گیرد و با مثال هایی از دیوان حافظ همراه گردد تا این تمایز بهتر بیان گردد.

۱ - وجه خبری: برای بیان خبر یا اطلاعی مثبت یا منفی است که در بازه ۱-۰ از درجاتی از قطعیت تا عدم قطعیت برخوردار است.

سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد	و آنچه خود داشت زیگانه تمنا می‌کرد
(دیوان حافظ: غزل ۱۴۳)	
دلم جز مهر مهرویان طریقی بر نمی‌گیرد	زهر در میدهم پندش ولیکن در نمی‌گیرد
(همان: غزل ۱۴۹)	
دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند	و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند
(همان: غزل ۱۸۳)	
مبوس جز لب ساقی و جام می‌حافظ	که دست زهد فروشان خطاست بوسیدن
(همان: غزل ۳۹۳)	

۲ - وجه پرسشی: نشانگر پرسش است مثبت یا منفی که باز هم در بازه ۱-۰ از درجاتی از قطعیت تا عدم قطعیت برخوردار است.

باده خور غم مخور و پند مقلد منبوش	اعتبار سخن عام چه خواهد بودن؟
(همان: غزل ۳۹۱)	

به پیرمیکده گفتم که چیست راه نجات  
 مراد دل ز تماشای باغ عالم چیست؟  
 بخواست جام می و گفت عیب پوشیدن  
 بدست مردم چشم از رخ تو گل چیدن  
 (همان: غزل ۳۹۳)

۳ - وجه معرفتی: این وجه فراتر از خبر است و نشان‌گردانایی، شناخت و معرفت‌گوینده به امری است که ژرف‌تر از آگاهی و دانش است.

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق  
 ثبت است بر جریده عالم دوام ما  
 (همان: غزل ۱۱)  
 مقام عیش میسر نمی شود بی رنج  
 بلی بحکم بلا بسته اند عهد الست  
 (همان: غزل ۲۵)  
 جام جهان نماست ضمیر منیر دوست  
 اظهار احتیاج خود آنجا چه حاجتست؟  
 (همان: غزل ۳۳)  
 گدای کوی تو از هشت خلد مستغنی است  
 اسپر عشق تو از هر دو عالم آزادست  
 (همان: غزل ۳۵)

۴ - وجه عاطفی: بیانگر احساسات و عواطف است از جمله اندوه، درد، شادی، لذت، ستایش، نفرت و کینه، شگفتی، افسوس و ...

فغان کاین لولیان شوخ شیرین کار شهر آشوب  
 چنان بردند صبر از دل که ترکان خان یغما را  
 (همان: غزل ۳)

۵ - وجه شرطی: زمانی است که عناصر شرط در جمله‌ای وجود داشته باشد یا به نحوی جمله بیانگر شرط باشد.

اگر فقیه نصیحت کند که عشق مباز  
 پیاله‌ای بدهش گو دماغ را تر کن  
 (همان: غزل ۳۹۷)  
 بر آستانه تسلیم سر بنه حافظ  
 که گر ستیز کنی روزگار بستیزد  
 (همان: غزل ۱۵۵)

۶ - وجه تردیدی: زمانی که وقوع امری قطعی نباشد یا جمله بیانگر نوعی تردید و شک باشد.

بر مهر چرخ و شیوه او اعتماد نیست ای وای بر کسی که شد ایمن ز مکر وی  
(همان: غزل ۴۲۹)

۷ - وجه آرزویی: هنگامی است که آرزویی بیان گردد و با تمنا که مشخصه معنایی خواهش و زاری دارد، متفاوت است.

الا ای طوطی گویای اسرار مبادا خالیست شکر ز منقار  
سرت سبز و دلت خوش باد جاوید که خوش نقشی نمودی از خط یار  
(همان: غزل ۲۴۵)

آن کو ترا به سنگ دلی کرد رهنمون ای کاشکی که پاش بسنگی برآمدی  
(همان: غزل ۴۳۹)

۸ - وجه تمنایی: هنگامی است که خواهش و تمنایی بیان گردد و از یک مرجع بالاتر گاهی با عجز و ناتوانی تقاضا می گردد.

یارب سببی ساز که یارم به سلامت باز آید و برهاندم از بند ملامت  
امروز که در دست توام مرحمتی کن فردا که شوم خاک چه سود اشک ندامت؟  
(همان: غزل ۸۹)

۹ - وجه دعایی: وجهی است که نقش معنایی دعا یا نفرین را برساند.

باده لعل لبش کز لب من دور مباد راح و روح که و پیمان ده پیمان کیست؟  
تویی که خوبتر ز آفتابی و شکر خدا که نیستم ز تو در روی آفتاب خجل  
(همان: غزل ۳۰۵)

۱۰ - وجه التزامی: مفاهیمی مانند توصیه، الزام، اجبار و تهدید را بیان می کند.

آن کس که او فتاد خدایش گرفت دست گو بر تو باد تا غم افتادگان خوری  
(همان: غزل ۴۵۱)

۱۱ - وجه امری: بیانگر امر، فرمان یا دستوری است که معمولاً با ساخت فعل امری نشان داده می‌شود.

برو به کار خود این واعظ این چه فریادست  
چنگ بنواز و بسازار نبود عود چه باک  
درسماح آی و زسر خرقه برانداز و برقص  
ورنه با گوشه رو و خرقه ما در سر گیر  
مرا فتاد دل از ره تو را چه افتاده است؟  
آتشم عشق و دلم عود و تنم مجمر گیر  
(همان: غزل ۲۵۷)

۱۲ - وجه نهی: بیان امر، دستور یا فرمان به عدم انجام کاری است که معمولاً با ساخت فعل نهی (امر منفی) نشان داده شده است.

وفا مجوی ز دشمن که پرتوی ندهد  
مکن بنامه سیاهی ملامت من مست  
چو شمع صومعه افروزی از چراغ کنشت  
که آگهست که تقدیر بر سرش چه نوشت؟  
(همان: غزل ۷۷)

۱۳ - وجه غیرشخصی: فعلی است که فاعل مشخصی ندارد و به شخص مشخصی بر نمی‌گردد و حکمی تعمیم پذیر را بیان می‌کند.

گر طمع داری از آن جام مرصع می لعل  
اشک حافظ خرد و صبر به دریا انداخت  
ای بسا در که به نوک مژات باید سفت  
چکند؟ سوز غم عشق نیارست نهفت  
هر که ترسد زلال انده عشقش نه حلال  
سرما و قدمش یا لب ما و دهنش  
(همان: غزل ۸۱)

۱۴ - وجه توصیه‌ای: به پند، اندرز، توصیه و نصیحت می‌پردازد و معمولاً با فعل امر بیان می‌شود.

نصیحت گوش کن جانا که از جان دوست تر دارند  
جوانان سعادت‌مند پند پیر دانا را  
نصیحتی کنمت یادگیر و در عمل آر  
که این حدیث ز پیر طریقتم یادست  
غم جهان مخور و پند من مبر از یاد  
که این لطیفه عشقم ز رهروی یادست  
(همان: غزل ۱)



رضا به داده بده و ز جبین گره بگشای      که بر من وتو در اختیار نگشادست  
مجو درستی عهد از جهان سست نهاد      که این عجزه عروس هزار داماد است  
(همان: غزل ۳۷)

۱۵ -وجه پیشنهادی: در این وجه پیشنهادی به مخاطب صورت می‌گیرد به طوری که معنی  
"بهتر است" را به جای "باید" می‌رساند و معمولاً با فعل امر بیان می‌گردد.

حافظ از باد خزان در چمن دهر مرنج      فکر معقول بفرما گل بی خار کجاست  
(همان: غزل ۱۹)

۱۶ -وجه درخواستی: این وجه با خواهش، تقاضا و درخواست از مخاطب همراه است و  
معمولاً با فعل امر بیان می‌گردد.

اگر به سالی حافظ دری زند بگشا      که سالهاست که مشتاق روی چون مه ماست  
بحاجب در خلوت سرای خاص بگو      فلان ز گوشه نشینان خاک درگه ماست  
(دیوان حافظ: غزل ۲۳)

معاشران ز حریف شبانه یاد آرید      حقوق بندگی مخلصانه یاد آرید  
بوقت سرخوشی از آه و ناله عشاق      به صوت و نغمه چنگ و چغانه یاد آرید  
(دیوان حافظ: غزل ۲۴۱)

۱۷ -وجه احتمالی: معنی احتمال وقوع رویدادی را بیان می‌کند که قطعی نیست، با اداتی  
مانند "مگر" و "شاید" همراه است و در دستور سنتی جزو وجه خبری محسوب  
می‌شده است.

حافظ این خرقة بینداز مگر جان بیری      کاتش از خرقة سالوس و کرامت برخاست  
(همان: غزل ۲۱)

همچو حافظ به خرابات روم جامه قبا      بو که در برکشد آن دلبر نوخواسته‌ام  
(همان: غزل ۳۱۱)

۱۸- وجه تصمیمی: این وجه تصمیم، عزم و اراده فاعل را برای انجام کاری بیان می‌کند و فراتر  
از بیان خبر است؛ اگر چه در دستور سنتی جزو وجه خبری محسوب می‌شده است.

چون باد عزم سر کوی یار خواهم کرد  
 به هرزه بی می و معشوق عمر می‌گذرد  
 نفس بیوی خوشش مشکبار خواهم کرد  
 بطالتم بس، از امروز کار خواهم کرد  
 (همان: غزل ۱۷)

۱۸ - وجه تاکید: این وجه معنی تاکید را می‌رساند و فراتر از بیان ساده یک خبر است؛ اگرچه در دستور سنتی جزو وجه خبری به حساب می‌آمده است.

ز جور کوبک طالع سحرگهان چشم  
 چنان گریست که ناهید و مه دانست  
 (همان: غزل ۱۷)

منم که گوشه میخانه خانقاه من است  
 دعای پیر مغان ورد صبحگاه من است  
 (همان: غزل ۵۳)

چندان گریستم که هر کس که برگذشت  
 دراشک ماچو دید روان گفت این چه جوست؟  
 (همان: غزل ۵۹)

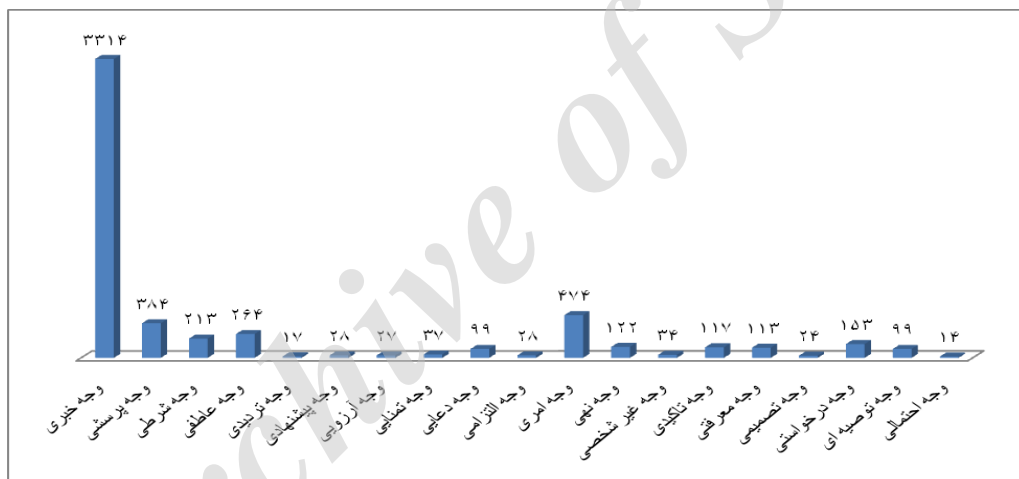
روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست  
 ناظر روی تو صاحب نظرانند آری  
 از وجودم قدری نام و نشان هست که هست  
 منّت خاک درت بر بصری نیست که نیست  
 سرگیسوی تودر هیچ سری نیست که نیست  
 ورنه از ضعف در آنجا اثری نیست که نیست  
 (همان: غزل ۱۷)

گاهی در چند بیت پیاپی به وجه های مختلفی برمی‌خوریم  
 بیا و کشتی ما در شطّ شراب انداز (درخواستی)  
 مرا به کشتی باده در افکن ای ساقی (امری)  
 اگرچه مست و خرابم تو نیز لطفی کن (تمنّایی)  
 خروش و ولوله در جان شیخ و شاب انداز  
 که گفته‌اند نکویی کن و در آب انداز  
 نظر برین دل سرگشته خراب انداز  
 (همان: غزل ۲۶۳)

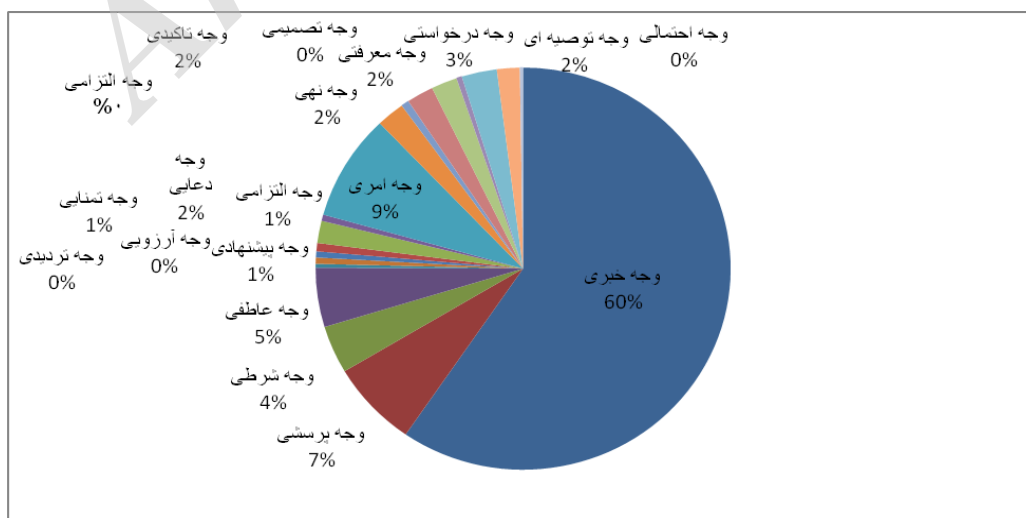
#### بحث و تحلیل داده‌ها (Data analysis and discussion):

موضوع مقاله حاضر بررسی انواع وجه در دیوان غزلیات حافظ می باشد. مسأله تحقیق حاضر تبیین شیوه تعامل و نگرش حافظ در نسبت با قضایا و مخاطبان است. فرضیه تحقیق این

است که حافظ به دلیل گرایش اگزیستانسیالیستی و انسان شناختی عارفانه بیشتر از وجوه دیالکتیک استفاده کرد و ایدئولوژیک با قضایا برخورد نکرد. مبانی نظری تحقیق نیز رویکرد نقش گرایانه دارد و روش تحقیق آماری است؛ بطوری که از ۴۹۵ غزل دیوان حافظ ۲۴۸ غزل به روش نمونه گیری سیستماتیک انتخاب شده و مورد تحلیل قرار گرفته است که ۵۰٪ کل جامعه آماری دیوان حافظ را شامل می‌گردد. میانگین تعداد فعل‌ها در هر غزل ۲۲/۴ فعل می‌باشد. تعداد زمان‌ها هر غزل ابتدا ثبت گردید و بعد تعداد کل هر زمان در هر غزل در نرم افزار SPSS ثبت شد، سپس فراوانی و درصد هر صد غزل به طور جداگانه محاسبه گردیده است. در پایان فراوانی و درصد کل نیز آورده شد و تمامی یافته‌ها در قالب نمودار و جدول ارائه گردید.



نمودار فراوانی انواع وجه در دیوان غزلیات حافظ



نمودار درصدی انواع وجه در دیوان غزلیات حافظ

درصد کل	تعداد کل	جدول توزیع فراوانی و درصدی انواع وجه در دیوان حافظ										انواع وجه
		غزل ۴۰۰-۵۰۰		غزل ۳۰۰-۴۰۰		غزل ۲۰۰-۳۰۰		غزل ۱۰۰-۲۰۰		غزل ۱-۱۰۰		
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۵۷/۳	۳۳۱۴	۵۸/۷	۶۸۹	۵۷/۶	۶۲۴	۵۷/۷	۶۳۹	۶۸/۳	۷۵۳	۵۵/۴	۶۰۶	خبری
۶/۳۶	۳۸۴	۰/۶	۷۱	۱۰/۳	۱۱۲	۴/۳	۴۸	۵/۶	۶۲	۸/۳	۹۱	پرسشی
۳/۷	۲۱۳	۴/۱	۴۸	۵/۳	۵۷	۲/۹	۳۲	۲/۴	۲۷	۴/۵	۴۹	شرطی
۴/۶	۲۶۴	۶/۵	۷۶	۳/۸	۴۱	۵/۹	۶۵	۳/۱	۳۴	۴/۴	۴۸	عاطفی
۰/۳	۱۷	۰/۱	۱	۰/۱	۱	۰/۲	۲	۰/۰	۲	۱/۰	۱۱	تردید
۰/۵	۲۸	۰/۲	۲	۰/۱	۱	۰/۲	۲	۰/۵	۵	۱/۶	۱۸	پیشنهادی
۰/۵	۲۷	۰/۵	۶	۰/۴	۴	۰/۵	۵	۰/۷	۸	۰/۴	۴	آرزویی
۰/۶	۳۷	۰/۱	۱	۱/۳	۱۴	۱/۷	۱۹	۰/۰	۰	۰/۳	۳	تمنایی
۱/۷	۹۹	۲/۶	۳۰	۵	۱۶	۰/۸	۹	۲/۶	۲۹	۱/۴	۱۵	دعایی
۰/۵	۲۸	۰/۶	۷	۰/۱	۱	۰/۰	۰	۰/۶	۷	۱/۲	۱۳	التزامی
۸/۲	۴۷۴	۱۰/۲	۱۲۰	۹/۲	۱۰۰	۱۰/۴	۱۱۵	۴/۹	۵۴	۸/۱	۸۸	امری
۲/۱	۱۲۲	۲/۲	۲۶	۲/۱	۲۳	۴/۸	۵۳	۱/۵	۱۶	۰/۴	۴	نهی
۰/۶	۳۴	۰/۶	۷	۰/۲	۲	۰/۸	۹	۰/۷	۸	۰/۷	۸	غیر شخصی
۲/۰	۱۱۷	۰/۴	۵	۲/۵	۲۷	۳/۳	۳۶	۰/۵	۶	۳/۹	۴۳	تاکیدی
۲/۰	۱۱۳	۰/۸	۹	۱/۹	۲۱	۰/۵	۵	۳/۲	۳۵	۳/۹	۴۳	معرفتی
۰/۴	۲۴	۰/۱	۱	۰/۲	۳	۰/۰	۰	۱/۴	۱۵	۰/۵	۵	تصمیمی
۲/۶	۱۵۳	۳/۰	۳۵	۲/۲	۲۴	۵/۱	۵۷	۱/۵	۱۷	۱/۸	۲۰	درخواستی
۱/۷	۹۹	۳/۲	۳۸	۰/۶	۷	۱/۰	۱۱	۲/۱	۲۳	۱/۸	۲۰	توصیه‌ای
۰/۲	۱۴	۰/۲	۲	۰/۶	۶	۰/۰	۰	۰/۲	۲	۰/۴	۴	احتمالی

از مجموعه ۵۵۶۱ فعل بررسی شده، ۳۳۱۴ فعل یعنی؛ ۵۷/۳ دارای وجه خبری است که بالاترین بسامد را خود اختصاص داده است. وجه امری با ۴۷۴ و ۸/۲ دومین بسامد را داراست و وجه پرسشی با ۳۸۴ فعل و ۶/۳۶ درصد سومین مرتبه را دارد. در دستور سنتی وجه‌های تردیدی، غیرشخصی، تأکیدی، معرفتی، تصمیمی و عاطفی در ذیل وجه خبری بررسی می‌گردد که آن صورت ۳۸۹۷ فعل یعنی ۶۷/۴ کل وجه خبری خواهد بود. وجوه پیشنهادی، توصیه‌ای، درخواستی و نهی نیز در دستور سنتی ذیل وجه امری قرار می‌گیرد که در این صورت وجه امری ۸۷۶ فعل و معادل ۱۵/۱ درصد خواهد بود.

از این رو می‌توان گفت در دیوان حافظ بیشتر تعداد به وجه خبری مربوط می‌شود و وجه‌های که بیانگر عدم قطعیت است، مانند تردیدی و احتمالی کمتر از ۱٪ را به خود اختصاص داده است. همچنین وجه معرفتی که نشانگر شناخت و تعمق صاحب اثر در امور است ۲٪ درصد را شامل می‌گردد. ولی وجه خبری که نقش بیانگری و روایتگری دارد، بیشترین بسامد را دارد و وجه امری که به دستور، خواهش، پیشنهاد، تقاضا و توصیه دلالت دارد ۱۵٪ را دارا است. از یافته‌های دو وجه خبری و پرسشی می‌توان استدلال کرد که صدای دستوری حافظ بیانگرایانه، روایت‌گرایانه و آمرانه است اگرچه پنج درصد فعل‌های امری غیردستوری است و جنبه‌های توصیه، تقاضا و ... را دارا است.

همچنین بیش از ۶٪ فعل‌های دیوان حافظ پرسشی است که البته اثر آگزیستانسیالیستی باید از چنین خصوصیتی برخوردار باشد. همچنین نزدیک ۴٪ فعل‌ها دارای وجه شرطی هستند که نشانه عدم قطعیت است اما در کل عدم قطعیت در دیوان حافظ جایی ندارد؛ زیرا که وجه‌های تردیدی و احتمالی کمتر از یک درصد است. در صورتی که وجه‌های پرسشی، شرطی، تردیدی و احتمالی در اثری بسامد بالاتری داشته باشد می‌تواند نشانگر نسبی نگری، پرسش‌گری و عدم قطعیت باشد. همچنین دعا، تمنا و آرزو حدود ۳٪ از کل را به خود اختصاص داده است. از این رو می‌توان گفت چندان حالاتی دعاگونه و تمناگونه هم در دیوان حافظ وجود ندارد؛ زیرا که از تعداد ۵۵۶۱ فعل تنها ۱۵۳ فعل به این وجه‌ها تعلق دارد.

## نتیجه‌گیری

وجه و وجهیت بیانگر نوع نگرش و شیوه تعامل به هستی و زندگی است. در دستور سنتی نیز وجه تلقی‌گوشونده یا نویسنده از جمله است. وجه می‌تواند بیان‌کننده یک فرد چگونه به مقولات، قضایا و روابط هستی‌شناختی و جامعه‌شناختی می‌نگرد. در این تحقیق هدف اصلی دست‌یافتن به نگرش و شیوه تعامل حافظ در دو حیطة فوق‌بوده است و فرضیه تحقیق این بوده که با عنصر وجه این هدف دست‌یافتنی است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که حافظ بیشتر به بیان حالات، موضوعات، نظرات و دیدگاه‌های خود نسبت به امور می‌پردازد که برای بیان آن‌ها از وجه خبری استفاده می‌کند. در این میان نسبت به اعمال نظرات و دیدگاه‌های خود دیدگاهی آمرانه دارد و از طرفی دیگر نسبی‌نگری وی به امور بسیار ناچیز است و حتی پرسش‌گری وی نیز چندان بارز نیست.

می‌توان گفت استفاده از عنصر وجه برای دست‌یابی به هدف و فرضیه تحقیق موفق بوده است و کشف جنبه‌های از صدای دستوری، شیوه تعامل و نوع نگرش یک اثر قابل اجرا است و می‌توان از طریق متغیرهای دستوری نیز به کشف روابط متن پرداخت. همچنین تحقیقات سبک‌شناسی عینی می‌تواند تفسیرهای شهودی را به چالش بکشد و در آن‌ها تغییر ایجاد کند و مهم‌تر اینکه نقدی منصفانه به آثار بزرگ ادبی فراهم آورده، دیوار نقدناپذیری آن را بشکند. نکته آخر این است که این تحقیق می‌تواند نمونه‌ای برای ادامه تحقیقات سبک‌شناسی در پهنه ادب کلاسیک و معاصر فارسی باشد تا مشخصه‌های بیانگری، روایت‌گری و قطعی‌نگری و یا فلسفی، نسبی‌گری و پرسش‌گری در آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

## فهرست منابع و مآخذ

- ۱- احمدی گیوی، حسن، (۱۳۴۸)، *دستور زبان فارسی فعل*، تهران: نشر قطره.
- ۲- انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن، (۱۳۷۷)، *دستور زبان فارسی ۲*، ویرایش دوم، تهران: مؤسسه انتشارات فاطمی. چاپ پانزدهم.
- ۳- پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۸)، *گمشده لب دریا*، تهران: سخن، چاپ سوم.
- ۴- حافظ، شمس‌الدین، (۱۳۷۳)، *دیوان*، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: صفی‌علیشاه، چاپ چهاردهم.
- ۵- خیام پور، ع، (۱۳۴۴)، *دستور زبان فارسی*، تبریز، چاپ شفق.
- ۶- خطیب رهبر، خلیل، (۱۳۶۷)، *دستور زبان فارسی: کتاب حروف اضافه و ربط*، انتشارات سعدی.
- ۷- سرایی، حسن، (۱۳۷۲)، *مقاله‌های بر نمونه‌گیری*، تهران: سمت.
- ۸- سیدحسینی، رضا، (۱۳۸۱)، *مکتب‌های ادبی*، ج ۱ و ۲، تهران: انتشارات آگاه.
- ۹- شریعت، محمدجواد، (۱۳۴۵)، *دستور زبان فارسی*، چاپ فردوسی.
- ۱۰- شفاهی، احمد، (۱۳۶۳)، *مبانی علمی دستور زبان فارسی*، مؤسسه انتشارات نوین، چاپ اول.
- ۱۱- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۸)، *انواع ادبی*، تهران: فردوس. چاپ ششم.
- ۱۲- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۲)، *سبک‌شناسی شعر*، چاپ نهم، تهران: فردوس.
- ۱۳- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۱)، *سبک‌شناسی شعر*، چاپ هشتم، تهران: فردوس.
- ۱۴- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۰)، *سیر غزل در شعر فارسی*، چاپ سوم، تهران: فردوس.
- ۱۵- صادقی، علی‌اشرف و ارژنگ، غلامرضا، (۱۳۶۱)، *دستور برای سال دوم*، فرهنگ و ادب، وزارت آموزش و پرورش.
- ۱۶- صبور، داریوش، (۱۳۸۴)، *آفاق غزل فارسی*، تهران: زوآر، چاپ دوم.
- ۱۷- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۷۹)، *تاریخ ادبیات ایران*، تلخیص ترابی، محمد، خلاصه جلد سوم، تهران: فردوس.
- ۱۸- فتوحی، محمود، (۱۳۹۰)، *سبک‌شناسی: نظری‌ها، رویکردها و روش‌ها*، تهران: انتشارات سخن.

- ۱۹- فرشیدورد، خسرو، (۱۳۷۸)، *جمله و تحوّل آن در زبان فارسی*، تهران: انتشارات امیرکبیر. چاپ دوم.
- ۲۰- کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۵)، *این کیمیای هستی*، تبریز: آیدین.
- ۲۱- محتشمی، بهمن، (۱۳۷۰)، *دستور کامل زبان فارسی*، انتشارات شرقی، چاپ اول.
- ۲۲- مشکوٰه‌الدینی، مهدی، (۱۳۸۱)، *دستور زبان فارسی*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- ۲۳- ناتل خانلری، پرویز، (۱۳۷۰)، *دستور زبان فارسی*، تهران: انتشارات توس.
- ۲۴- وحیدیان کامیار، تقی، (۱۳۶۴)، *جمله‌های شرطی در زبان فارسی*، مجله زبان‌شناسی، سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
- ۲۵- وحیدیان کامیار، تقی، (۱۳۸۱)، *دستور زبان فارسی*، تهران: سمت.
- ۲۶- همایی، جلال‌الدین، (۱۳۳۹)، *صناعات ادبی*، تهران: انتشارات علمی.
- ۲۷- یاسمی، رشید و دیگران، (۱۳۷۱)، *دستور زبان فارسی: پنج استاد*، چاپ حیدری، چاپ اول.
- 28- Asher, Ron. (1995). *Encyclopedia of linguistics*. Elsevier under the Pergamon imprint.
- 29- Halliday, M. A.K. (2005). *An introduction to functional grammar*. New York: Edward Arnold.
- 30- \_\_\_\_\_ . (1994). *An introduction to functional grammar*. Second ed. New York: Edward Arnold.
- 31- \_\_\_\_\_ . (1973). *Explorations in the functions of language*. London. Edward Arnold.
- 32- Halliday, M.A.K and Matthiessen, Christain. (2004). *An introduction to functional grammar*. Britain: Arnold.
- 33- Strazny, Philipp. (2005). *Encyclopedia of linguistics*. An imprint of the Taylor and Francis Group. New York. Oxon.
- 34- Thompson, Geoff. (2004). *Introducing functional grammar*. Second edition. Oxford university press.